اختلاف خانوادگی با آتش‌سوزی منزل پایان یافت

در پی بروز اختلاف خانوادگی در یکی از شهرهای خراسان شمالی، یکی از اعضای خانواده منزلشان را به آتش کشید.به گزارش خبرنگار ما در پی بروز آتش سوزی گسترده منزلی در یکی از شهرهای خراسان شمالی آتش نشانان به محل حادثه اعزام شدند و موفق به پیشگیری از انتقال آتش سوزی به دیگر منازل مجاور این منزل شدند. با این وجود بخش های زیادی از این منزل دچار سوختگی شد. پی گیری های خبرنگار ما حاکی از آن است که این آتش سوزی توسط یکی از اعضای خانواده در پی بروز درگیری رخ داده است. بر اساس گزارش سازمان آتش نشانی بجنورد نیز سال گذشته ۸۴ منزل مسکونی نیز در بجنورددچار آتش سوزی شد که ۷ فقره آن عمدی بود. این گزارش حاکی است سال گذشته همچنین ۳۰ منزل مسکونی نیز به علت نشت گاز و اتصالات برق دچار آتش سوزی شد. ۳۶ منزل مسکونی نیز بر اثر انتقال حرارت دچار حریق شد که با کمک نیروهای آتش نشانی آتش سوزی این منازل مهار شد.

عبرت

تقدیم دو دستی دارایی به مرد کلاهبردار

صدیقی-نمی دانم سر پیری این چه بلایی بود که به سرم آمد. با اعتماد نابجا و سادگی، بنیان خانواده ام را به لرزه در آوردم و زندگی آرامم را دچار حریق کردم و در بستر خاکستر نشاندم.
مردی که احوالش به تمام معنا به هم ریخته از ماجرای گرفتار شدنش در دام مار خوش خط و خال می گوید: بازنشسته شدم و از این که بعد از یک عمر تلاش و جان کندن درآمد بخور و نمیری را برای خانواده ام فراهم کردم خوشحال بودم زیرا دستم جلوی کسی دراز نبود.
ماجرا از این قرار است که تصمیم گرفتم در تعطیلات تابستان چند روز به خانه دخترم که در تهران زندگی می کرد بروم.
داخل قطار مسافربری با مرد خوش زبانی آشنا شدم که خود را تاجری بزرگ و آدم با نفوذی در سیستم بانکی معرفی می کرد. او با حرف هایش زمین و آسمان را به هم می بافت و به گونه ای سخن می گفت که گویا از همه مشکلات مردم با خبر است.
من هم شیفته او و به قول معروف خیلی زود با او پسر خاله شدم و او را میهمان سفره دلم کردم و از همه مشکلات زندگی ام و از حقوق کم و انتظارات همسر و فرزندانم برایش گفتم.
در حالی که به چشمانم خیره شده بود و با جدیت به حرف هایم گوش می کرد با لبخندی به من گفت، ای کاش تمام غم و غصه های دنیا با پول برطرف می شد.
نگران نباش من با ارتباطی که با سیستم بانکی دارم وام درست و حسابی با اقساط بلند مدت برایت فراهم می کنم تا یک دستی به سر و روی زندگی ات بکشی و جلوی خانواده ات سربلند باشی . اما این کار فقط یک شرط دارد و آن هم این که در این مورد با هیچ کسی به خصوص خانواده ات صحبت نکنی.
من که با شنیدن حرف های او در پوست خودم نمی گنجیدم خام حرف های پوچ او شدم و بلافاصله شماره تلفن او را گرفتم .
بعد از گذشت یک هفته از دیدارمان در قطار به او زنگ زدم و او به من گفت باید یک سور درست و حسابی بدهی چون کارت درست شده است و توانستم برایت یک وام درست و حسابی با اقساط بلند مدت ردیف کنم و فقط باز هم تاکید می کنم چیزی در این مورد به کسی نمی گویی تا کارها به درستی پیش برود.
بعد از دو روز او به خانه من آمد تازه برای من هم سوغاتی آورده بود و شرایط وام را برایم گفت و زمان خداحافظی، اسناد خانه و چند چک سفید امضا و همچنین رمز عابر بانک و شماره حسابم را نیز از من گرفت و گفت برای تهیه و روند اداری لازم است. سپس سفارش کرد که هفته آینده به تهران بروم و به محضری که آدرس آن را داد مراجعه کنم تا کارهای لازم برای دریافت وام انجام شود.
من طبق قرار با خوشحالی در محضر حاضر شدم اما قبل از این که وارد محضر شوم به من گفت چون این وام ویژه و رابطه ای است نباید در این مورد چیزی به محضر دار بگویم و فقط چند برگه را امضا کنم و بیرون بیایم.
اول به او شک کردم که مبادا می خواهد سند خانه ام را به نام خودش بزند اما وقتی اسناد را که در مورد وام بود دیدم خیالم راحت شد و بی درنگ برگه ها را امضا کردم .
بعد از دو روز به شهرمان برگشتم ولی هر چقدر انتظار کشیدم از وام خبری نشد تا این که بعد از تحقیقات و با مراجعه دوباره به محضر تازه فهمیدم که آن مرد حقه باز سرم را کلاه گذاشته و برگه هایی را که امضا کرده بودم مربوط به وام آن مرد شیطان صفت بوده است و من ناباورانه ضامن وام چند صد میلیونی او شده بودم.
او نیز با دریافت وام و همچنین خالی کردن تمام حسابم متواری شده بود.
دخترم مدت ها نامزد بود و منتظر وام بودم تا با آن جهیزیه او را تهیه کنم ولی متاسفانه نه تنها از تهیه جهیزیه عاجز شدم بلکه تمام پس اندازم به یغما رفت و زندگی ام دگرگون شد.

کلاهبرداری و اذیت و آزار در قالب رمالی

بازیچه خرافات

کمی فکر کنید! آخرین باری را که از پرواز کلاغ بالای سرتان یا رد شدن گربه سیاهی از جلوی پایتان، دیگر مطمئن شدید تا پایان آن روز باید منتظر اتفاقات شومی باشید به خاطر دارید؟
یا وقتی را که کف دست‌تان به خارش افتاد و ذوق‌زده شدید که به زودی پولی گیرتان خواهد آمد یا وقتی به‌دنبال یک خنده طولانی از ته دل ناگهان ترسیدید که مبادا پشت هر خنده‌ای گریه ای باشد یا وقتی با دیدن تفاله چای در فنجان فکر کردید که به زودی برایتان مهمان خواهد آمد یا این که برای بیشتر کردن محبت و علاقه همسرتان نسبت به خود چطور باید عمل کنید به خاطر می آورید؟
این ها نمونه هایی از عقاید خرافی هستند که ما هر روز با آن ها سر و کار داریم؛ باورهای خرافی امروزه آنچنان در تار و پود زندگی بسیاری از مردم و خانواده ها رسوخ پیدا کرده است که کنار گذاشتن و ترک آن ها سخت شده است.
ردپای خرافات کم و بیش در زندگی بسیاری از ما دیده می شود؛ باورهای خرافی در سایه ناآگاهی مردم بیشتر مجال خودنمایی پیدا می کنند. با چند نفر از افرادی که گرفتار این خرافات شده اند و زندگی و آبرویشان را از دست داده اند صحبت کردیم که از نظر می گذرانید.
زنی که می خواست محبت همسرش را نسبت به خودش دو چندان کند، نه تنها محبتی نصیبش نشد بلکه زندگی اش نیز از هم پاشید و غیر از آه و افسوس چیزی نصیبش نشد.
زن خانه دار از مصیبتی که بر زندگی اش مثل آوار فرود آمده است، می گوید: زندگی خوبی داشتم و در کنار همسر و فرزندانم کمبودی نداشتم، ولی افسوس احساس می کردم در زندگی ام چیزی کم داشتم و آن هم محبت و توجه بیشتر همسرم نسبت به خودم بود و فکر می کردم علاقه همسرم نسبت به من یکسان و عادی شده است . من از این موضوع رنج می بردم و مدام ذهنم درگیر این چالش بود و به دنبال راهی می گشتم تا علاقه و توجه همسرم را نسبت به خودم بیشتر کنم .
همیشه از بازشدن پای کسی در زندگی ام ترس داشتم. روزی برای خرید نان به نانوایی محله مان رفتم و در خیال و افکارخودم بودم که توجهم به صحبت های دو خانم جلب شد. آن ها در مورد راز خوشبختی زندگی و راهکارهای جلب توجه همسر صحبت می کردند. یکی از آن ها به دیگری می گفت من در زندگی با شوهرم مشکل داشتم و او به من کم محلی می کرد تا این که بعد از مراجعه به یک دعانویس، مشکلم حل شد و الان احساس خوشبختی می کنم ،چون از آن روز به بعد علاقه و توجه شوهرم نسبت به من زیاد شده است.
وقتی این صحبت ها را شنیدم ناخودآگاه وارد بحث آن ها شدم . وقتی زن غریبه حرف های من را شنید به من گفت غصه نخور ، دوای درد تو پیش من است اما به کمی پول و حوصله نیاز است و از همه مهمتر باید تمام و کمال به حرف های من و به خصوص مرد دعانویس بدون هیچ اعتراضی گوش و عمل کنی تا مشکلت را بتوانم برطرف کنم . وقتی این حرف ها را از او شنیدم ذوق زده شدم و شرایط او را قبول کردم و قرار گذاشتیم.
فردای آن روز زن غریبه به دنبالم آمد و چشم بسته و هیجان زده به خانه ای که به صورت دقیق نمی دانم در کجای شهر بود رفتم.
پس از گذشتن از کوچه و پس کوچه های تنگ و باریک وارد خانه مرد رمال شدم، با مرد دعا نویس و ابزار آلاتی که اطرافش چیده شده بود و عکس های عجیب و غریبی که بر دیوار خانه جا خوش کرده بودند مواجه شدم و از حضور مرد دیگری در کنارش تعجب کردم که زن همراهم ادعا می کرد او برادر زنش است.
رو به روی مرد دعانویس نشستم و تمام مشکلاتم را مو به مو برای او بازگو کردم و او به دقت به حرف هایم گوش می کرد و هر از گاهی سرش را به نشانه تایید تکان می داد. بعد از تمام شدن صحبت هایم، سرانجام آن ها با انواع ترفندها و شگردهای پلیدشان اعتماد من را نسبت به خودشان جلب کردند و مرد دعانویس بعد از خواندن کلماتی مبهم و درهم ،شروع به نوشتن به ظاهر نسخه خوشبختی من کرد .
بعد از آن ، تکه کاغذ را به همراه موادی که نمی دانم چه چیزی بود مخلوط کرد و در یک لیوان پر از آب حل کرد و از من خواست برای اثر کردن دعاتمام آب موجود در لیوان را بخورم. اول ممانعت کردم ولی او با عصبانیت از من خواست به حرف هایش گوش کنم و من هم قبول کردم و آن آب را نوشیدم .
بعد از چند دقیقه بی هوش شدم و چیزی نفهمیدم، موقعی که به هوش آمدم نیمه شب خودم را در خیابان خلوتی دیدم. وقتی به خودم و اطرافم نگاه کردم متوجه شدم تمام طلا ها، وجوه نقد و گوشی تلفن همراهم توسط آن افراد شیاد به سرقت رفته است، به سختی خودم را به دفتر نگهبانی یکی از مجتمع ها رساندم و با پلیس تماس گرفتم.
بعد از رفتن به کلانتری متوجه شدم همسر، فرزندان و بستگانم چند روزی نگران و آشفته در جست و جوی من بودند و به محض دیدنم شروع به سوالات مختلفی کردند و من هم که گیج و سرگردان بودم چیزی نمی گفتم.
بعد از تکمیل شدن تحقیقات پلیس و دادن نشانی منزل مرد دعا نویس به همراه خانواده ام به منزل رفتم . وقتی به خانه رسیدم تازه متوجه شدم من سه روز در آنجا بی هوش و بی رمق بوده ام و توسط مرد رمال و دوستانش مورد اذیت و آزار قرار گرفته بودم . مدتی برای این ماجرا در شوک عصبی بودم و در بیمارستان بستری شدم. در موقع بستری شدنم تمامی آن افراد حیله گر توسط پلیس دستگیر شدند. وقتی از بیمارستان به خانه برگشتم دیگر هیچ چیز سرجایش نبود ، شوهرم وقتی زندگی اش را بر باد رفته دید حاضر نشد دیگر به زندگی با من ادامه دهد و از من جدا شد و دخترم نیز از این ماجرا به شدت آسیب دید و دچار مشکلات روحی و روانی زیادی شد و این گونه تمامی افراد خانواده ام در آتش ساده لوحی من سوختند. زن دیگری نیز که گرفتار چنگال مرد رمال پلید و شیطان صفت شده بود ماجرایش را این گونه تعریف می کند: در زندگی ام مشکلاتی داشتم و هیچ راه حلی برای آن ها پیدا نمی کردم تا این که از همسایه ها شنیدم فردی در یکی از محله های اطراف شهر با رمالی مشکلات و گرفتاری ها را برطرف می کند. به امید این که زندگی ام به روال عادی برگردد و روزهای خوشی را تجربه کنم به محل کار مرد رمال رفتم و از او خواستم برایم دعایی بنویسد.
آن مرد با حوصله به حرف هایم گوش کرد و از مشکلاتم باخبر شد. بعد گفت علاج کار را می داند و وردی بلد است که به همه این بدبختی ها پایان می دهد. زن نگون بخت ادامه داد: مرد دعانویس به من گفت برای این که ورد اثر بیشتری داشته باشد باید آن را روی بدنم بنویسد. من که از گرفتاری ها به تنگ آمده بودم و به دنبال راه نجاتی می گشتم و از طرفی چون آن مرد مسن بود مخالفتی نکردم...
او بدون توجه به واکنش من، مرا مورد آزار و اذیت قرار داد و زندگی ام را به نابودی کشاند و من چوب ساده لوحی و حرف های پوچ و خرافاتی اطرافیانم را خودم. هم اکنون نمی دانم با این ننگی که برای خودم و خانواده ام به وجود آورده ام چطور کنار بیایم. ای کاش کمی ایمانم قوی بود تا به جای راز و نیاز با خدای خودم با نامحرم حیوان صفت هم کلام نمی شدم.

وقتی متهم یافت نمی شود

چگونه ضرب و جرح در دعاوی خانوادگی را اثبات کنیم؟

یکی از رایج‌ترین شیوه‌های فرار از اتهام ضرب و جرح از سوی همسران این است که مثلا عنوان می کنند طرف مقابل خودزنی کرده است. ممکن است چنین افرادی عنوان کنند برای صحبت کردن با طرف مقابل خود به خانه یا محل کار او آمده بودند که طرف مقابل به او حمله کرد و او را مورد ضرب و جرح قرار داد و او نیز مجبور به دفاع از خود شد و از صحنه فرار کرد. در چنین مواردی است که شهادت شهود اهمیت می‌یابد و اگر شهادت فرد یا افرادی ضمیمه پرونده باشد، این مسئله سبب تسریع در تشکیل پرونده و رسیدگی به شکایت می‌شود. شهود نیز در چنین پرونده‌هایی شرایط خاصی را دارند. معمولا دعواهای زن و شوهر در محیط بسته خانه شکل می گیرد و ممکن است به جز فرزندان یا بعضی از اعضای خانواده، فردی شاهد آن نباشد. آیا در چنین مواردی شهادت فرزندان می‌تواند مورد قبول دادگاه واقع شود؟ آیا همسایه‌ها به صرف شنیدن صدای دعوای زن و شوهر می‌توانند با حضور در کلانتری یا دادسرا شهادت دهند که یکی از طرفین مورد ضرب و جرح دیگری واقع شده است؟ آیا شهادت نگهبان یا پرستار خانواده می‌تواند در نظر دادگاه موثر واقع شود؟ «مطابق قانون آیین دادرسی مدنی شهادت شهود شرایط خاصی دارد. شهادت یعنی این که فردی عنوان کند من شاهد و ناظر اتفاقی بوده‌ام. ممکن است درگیری میان همسران در راه‌پله خانه رخ دهد و همسایه‌ها عینا شاهد آن باشند. این یک شاهد عینی است، اما گاهی در منزل بسته است و شهود فقط صداهایی از داخل خانه می‌شنوند. این شنیده‌ها نیز می‌تواند در پرونده ثبت و ضبط شود و مقام رسیدگی کننده قضایی به عنوان اماره به این مطالب توجه نشان می‌دهد. اماره شهادتی است که ارزش آن کمی از شهادت پایین‌تر است. در چنین مواردی شهادت فرزندان، خدمتکار، نگهبان، همسایگان و... مورد قبول است و حتی اگر یک نفر شاهد وجود داشته باشد نیز دادگاه این شهادت را ثبت و به آن توجه نشان می‌دهد.
البته باید به این مسئله توجه داشته باشید که مثلا اظهارات شهود نباید از نظر زمان، مکان و ساعت با هم متفاوت باشند یا نباید در اظهارات آنها تناقض وجود داشته باشد، زیرا در این صورت این اظهارات از سوی متهم پرونده مورد اعتراض قرار می گیرد و در نتیجه ممکن است قاضی پرونده قرار منع تعقیب برای متهم صادر کند. مثلا اگر یکی از شهود عنوان کند ساعت ۱۰ شب صدای جر و بحث شنیده و دیگری عنوان کند ساعت ۲ نیمه شب صدای جر و بحث شنیده، این مسئله به عنوان تناقض مورد توجه مقام رسیدگی کننده واقع خواهد شد و در رد شکایت تاثیر خواهد داشت.
اصولا در محاکم دادگستری مبحث استفاده از صوت و تصویر و استناد به آن مورد قبول نیست و قانونگذار به عنوان دلیل به چنین مواردی توجه نکرده است، اما از این موارد باز هم به عنوان اماره می‌توان استفاده کرد و اگر این فیلم یا صدا اصالت داشته باشد می‌تواند مورد توجه دادگاه قرار گیرد. دلیلی که باعث شده قانونگذار این موارد را نپذیرد، این است که اصالت صوت و تصویر همیشه کشف نمی‌شود و به همین دلیل نمی‌توان به آن توجه کرد. از طرفی ممکن است این تصاویر و اصوات ساختگی باشند، اما اگر اصالت این موارد در دادگاه ثابت شود می‌تواند مورد توجه واقع شود و در این مورد در صورت اعتراض متشاکی، شاکی می‌تواند از دادگاه تقاضای بررسی اصالت صدا و تصویر را مطرح کند.
در بیشتر درگیری‌های میان همسران، فردی که شکایتی علیه او طرح می‌شود یا در کلانتری و دادگاه حضور نمی‌یابد یا این که دلایلی بیان می کند تا خود را بی گناه معرفی کند. در شکایت‌های ضرب و جرح نیز همیشه فقط یکی از همسران آسیب نمی‌بیند و ممکن است طی یک زد و خورد هر دو طرف مورد ضرب و جرح قرار بگیرند. در چنین شرایطی هر دو طرف می‌توانند به طرفیت یکدیگر طرح شکایت کنند، اما این مسئله شامل دعوی تقابل نمی‌شود. در جرایم کیفری اگر در جرمی به صورت متقابل، فردی با وجود ارتکاب یک جرم، خودش هم جرم ضرب و شتم را انجام داده و فعل مجرمانه هم علیه او صورت گرفته باشد، می‌تواند همزمان با رسیدگی به شکایتی که علیه او طرح شده، خود نیز شکایتی به دادگاه مطرح کند.

کامبیز خاکدوست
وکیل پایه یک دادگستری

اخبار

جریمه یک میلیارد و ۵۰۰میلیون ریالی واحدهای صنفی متخلف

صدیقی- واحدهای صنفی متخلف در ایام تعطیلات نوروز یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال جریمه و اعمال قانون شدند. مدیرکل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی با بیان این مطلب گفت: ۶۰۰پرونده توسط نهادها و مراجع نظارتی به تعزیرات حکومتی استان ارسال و توسط شعبه ویژه تعزیرات بررسی شد.
«ایرج عزیزی»افزود:پس از بررسی و محرز شدن تخلفات واحدهای صنفی به پرداخت جزای نقدی یک میلیارد و ۵۰۰میلیون ریالی در حق صندوق دولت محکوم و اعمال قانون شدند.
وی تصریح کرد:بیشترین تخلفات مربوط به درج نکردن قیمت،صادر نکردن فاکتور و گرانفروشی است. وی افزود : از ۶۰۰پرونده ورودی به تعزیرات استان ۴۵۰مورد آن مختومه شد و مابقی در حال بررسی و صدور احکام است.

دستگیری شکارچی متخلف کبک

یک شکارچی غیرمجاز که در ارتفاعات چخماقلو به شکار کبک اقدام می کرد، دستگیر شد.رئیس اداره حفاظت محیط زیست مانه و سملقان با بیان این مطلب گفت: از این فرد ۵ قطعه کبک به همراه ۱۰ رشته داف زنده گیری کبک، کشف و ضبط شد.
«موسی ولی زاده» افزود: با توجه به این که فصل بهار زمان تخمگذاری کبک هاست شکارچیان متخلف به وسیله داف ها کبک های نروماده را به دام می اندازند و به شکار آن ها اقدام می کنند.
وی افزود: شکارچی متخلف به همراه پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل داده شد. وی تصریح کرد: طبق قانون شکار و صید غیر مجاز، جریمه شکار هر کبک غیر مجاز معادل ۲میلیون ریال است که شکارچیان بابت شکار غیر مجاز معادل ۱۰میلیون ریال باید جریمه ضرر و زیان وارد شده به محیط زیست را پرداخت کنند.

حادثه در شهر

کتک کاری سر نگاه چپ

در یک روز بهاری در حال گذشتن از عرض خیابان بودم که همهمه و سر و صدایی در گوشه ای از خیابان ایجاد شد و همه نگاه ها را به سوی خودش جلب کرد.
در یک چشم به هم زدنی افراد زیادی اطراف آن دو نفر جمع شدند و من هم به سرعت خودم را به محل تجمع رساندم تا ببینم موضوع از چه قرار است. وقتی به محل رسیدم دو نوجوان را دیدم که با هم دست به یقه شده اند و به شدت همدیگررا کتک می زدند و با الفاظ رکیک آتش عصبانیت همدیگر را شعله ور تر می کردند.
در گیری بین آن ها چنان بالا گرفت که در یک لحظه نزاع آن ها رنگ خون به خودش گرفت و یکی از طرفین دعوا چاقویی را که به همراه داشت به کشاله پای طرف دیگر دعوا وارد کرد که خوشبختانه جراحت زیادی ایجاد نشد.
مردم بلافاصله آن ها را از هم جدا کردند و در این حین یکی از حاضران با پلیس تماس گرفت و نوجوانی که زخمی شده بود گوشه ای نشست و فردی شروع به بستن زخم او کرد.
بعد از چند دقیقه پلیس از راه رسید و ضارب را دستگیر کرد و ضارب که دید سر هیچ و پوچ و با یک بحث الکی دارد پایش به کلانتری بازمی شود با ابراز پشیمانی از ماجرای پیش آمده مقصر حادثه را نوجوان طرف مقابل قلمداد کرد و گفت: من در حال عبور از خیابان بودم که مصدوم از کنارم گذشت و مثل طلبکارها به چشمانم خیره شد.
من از طرز نگاهش بدم آمد و خیلی عصبانی شدم، وقتی به او تذکر دادم حاضر جوابی کرد و من هم در یک لحظه کنترل خودم را از دست دادم و با او درگیر شدم.

هشدار

پیشگیری از کلاهبرداری

- در صورت برخورد با افرادی که در ازای دریافت پول، وعده کار یا دادن کارت پایان خدمت، معافیت، گذرنامه، ویزا، گواهینامه و حل مشکل انتظامی با جعل و تزویر طعمه خود را به دام می اندازند، هوشیار باشید و آنان را شناسایی کنید.
- قبل از خرید خودرو از سرقتی نبودن آن اطلاع حاصل و برای بررسی موضوع به اداره آگاهی مراجعه کنید.
- در صورت انجام معاملات بانکی قبل از تنظیم سند برای جلوگیری از کلاهبرداری از بانک برای در رهن نبودن ملک و دیگر دستگاه های متولی ثبت و اسناد مالکیت استعلام بگیرید.
- از فروش خودرو در مقابل دریافت چک های مدت دار خودداری کنید.
- از انجام معاملات کلان با چک بانکی در ساعات غیر اداری پرهیز کنید.

معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری خراسان شمالی

۳۵ متری (۸۷ م) مشهد بلوار پایداری
آپارتمان یک خوابه، ششدانگ، پارکینگ انباری، MDF، پرده، پارکت، شیر اهرمی
۰۹۰۳۳۴۵۳۰۰۱
م/۹۵۰۰۴۳۷۳

تحلیل های روز را رصد کنید
www.Rasad.org
پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش روزنامه خراسان

آگهی سند مالکیت المثنی

نظر به این که آقای جواد داودی فرزند غلامعلی به شناسنامه ۴۶۹۷ صادره جاجرم باستناد دو برگ استشهادیه گواهی شده منضم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه کرده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به شماره پلاک ۱۸۰۶ فرعی از ۷۶- اصلی بخش ۷ بجنورد (حوزه ثبتی جاجرم) واقع در گرمه یادگار امام متعلق به خود وی می باشد به علت نامعلومی مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک معلوم شد نسبت به ششدانگ پلاک فوق سند مالکیت به شماره چاپی ۱۲۷۱۹۶-الف / ۷۹ ذیل ثبت ۴۶۵۸ صفحه ۱۰۰ دفتر املاک جلد ۲۳ بنام خود مالک صادر و تسلیم گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا به استناد تبصره ۱ اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت مراتب را یک نوبت آگهی و متذکر می گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

اردلان محمدی کوشکی
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان جاجرم

م/۹۵۰۱۰۶۱۹